

تغییرات تلفظی واژگان فارسی هنگام استفاده در گفتار رسمی زبان نوشتاری

ترک زبانان تبریز*

بتول محمودی

کارشناس ارشد زبان شناسی، مدرس دانشگاه آزاد

چکیده

زبان عنصر اصلی فرهنگ است و چند زبانی دقیق ترین بازتاب چند فرهنگی است. کشور ما را به اعتباری می توان چند زبانه دانست، زیرا که در درون مرزهای سیاسی خود اقوام مختلفی را جای داده که هر کدام از آنها همچنان که دارای فرهنگی کم و بیش خاص خوداند، دارای زبان خاص خود به عنوان یکی از عناصر فرهنگی خود نیز به شمار می روند. اقوام مختلف، در عین حال که هر یک از مراحل تاریخ اجتماعی خود را به شکل خاصی پیموده اند، هیچ وقت به حالت انزوا نزیسته اند بلکه در حال ارتباط با اقوام دیگر به سر برده اند. همین مسئله ارتباط اجتناب ناپذیر جوامع بشری، به تنهایی می تواند دلیل کافی برای تأثیر متقابل زبان های آنان در یکدیگر باشد. به این ترتیب، زبان درگذر زمان، تحت تأثیر زبان همسایه قرار می گیرد و دچار تحول و دگرگونی می شود، به طوری که در سیر عادی و طبیعی خود حتی ناگزیر به قبول کلمات بیگانه می گردد، منتها اثر این قرض گیری را معمولاً با مجزا ساختن واژه ی مورد نظر از وابستگی های دستوری زبان اصلی و تعدیل و تغییر آن بر اساس قوانین آوایی خود از بین می برد. بنابراین، کلمه ای که به این شکل وارد زبان می شود با قواعد خاص تطبیق یافته و خللی در استقلال زبان وارد نمی سازد.

بر اساس بررسی انجام یافته، زبان آذری نیز پس از قرض گیری واژه های فارسی به دلایل مختلف (برکردن خلاء فرهنگی، اعتبار اجتماعی زبان قرض دهنده و...) تغییراتی را در سطح آوایی به روی واژه وارد کرده است که می توان آن را معلول فرآیندی دانست که طی آن، واژه های قرضی، خود را با ساخت آوایی زبان قرض گیرنده تطبیق می دهند و تلفیق لازم در آنها صورت می گیرد.

در این مقاله سعی بر آن بوده تا قواعد واجی حاکم بر فرآیندهای واجی که با عمل کردن تعدادی از آنها نمودهای روساختی وام واژه ها به دست می آید کشف و معرفی شوند. این فرآیند ها (هماهنگی واکه ای، همگونی همخوان ها، فرآیند مربوط به ساخت هجا، فرآیند درج واکه - تقویت و تضعیف) با قاعده های مختلف، با استفاده از توصیف تغییرات حاصله در مشخصه های واجی و گاهی با استفاده از متغییر های α و β قواعد گشتاری بیان شده اند.

۱- مقدمه

طبق مطالعات انجام شده، واژه هایی که از زبان قرض دهنده وارد زبان قرض گیرنده می شوند همانند واژه بومی و براساس نظام آوایی زبان قرض گیرنده تلفظ می شوند. در مورد زبان ترکی هم، گرایش غالب به همین صورت می باشد. گویندگان دو زبانه ترکی و فارسی با وجود آشنایی به زبان فارسی، اکثر واژه های قرضی را براساس ویژگی ها و قواعد واجی زبان ترکی تلفظ می کنند که در این صورت واژه های

* استاد عزیزم جناب آقای دکتر یدالله پرمون دست نوشته مقاله حاضر را مورد بررسی قرار دادند و پیشنهادهای ارزنده ای برای اصلاح آن ارائه نمودند بدیهی است هر گونه نقضی در مقاله به عهده نگارنده است.

قرضی فارسی دستخوش تغییر و تبدیل می‌شوند تا با نظام آوایی زبان ترکی منطبق شوند. زبان ترکی با وجود داشتن معادل، به دلایل مختلف (پرستیژ، پر کردن خلاء فرهنگی و...) به قرض‌گیری از زبان‌های دیگر دست می‌زند و تغییر تلفظی لازم را در آن به وجود می‌آورد. بنابراین، وجود تغییر در واژه‌های جدید، شاهدهی است برای تغییرات واژگان قدیمی. البته همان‌طور که مشاهده خواهد شد برخی از واژه‌ها با وجود تغییر تلفظی کاملاً با نظام آوایی زبان ترکی انطباق نیافته‌اند و رنگ غیر بومی خود را از دست نداده‌اند. اکنون تلاش می‌شود (تا در صورت وجود تغییر) تغییرات تلفظی واژه‌های فارسی در زبان ترکی در جهت واجی، از دیدگاه زبان‌شناسی و واج‌شناسی زایشی، کشف و نشان داده شوند. برای نیل به این مهم، تعیین فرآیندهای رخ داده در وامواژه‌ها، قواعد با استفاده از مشخصه‌های تمایز دهنده چامسکی و هله (۱۹۶۸) به شیوه واج‌شناسی زایشی صورت بندی شده‌اند. لازم به ذکر است که برای تشخیص ریشه و تاریخچه واژه‌ها و اطمینان از قرضی بودن آنها در زبان ترکی، دو فرهنگ لغت فارسی (فرهنگ عمید و فرهنگ معین) و دو فرهنگ لغت ترکی آذری (فرهنگ بهزاد بهزادی و اسماعیل هادی) مورد استناد واقع شده‌اند.

در ابتدا، پیش از بررسی تغییرات آوایی وام‌واژه‌ها جهت دستیابی به نتایج دقیق‌تر در تجزیه تحلیل داده‌ها، ذکر نکاتی پیرامون واحدهای آوایی (واکه و همخوان) و ویژگی‌های آوایی زبان ترکی آذری ضروری می‌باشد.

۱-۱ همخوان‌های افراشته ترکی آذری

حسابگر (۱۳۷۱) که در پایان نامه کارشناسی ارشد خود، به طور مفصل به بررسی نظام آوایی زبان ترکی (گویش غیر رسمی) پرداخته برای کلیت دادن به نظام واجی زبان ترکی و ایجاد سادگی در این نظام، تعداد واج‌ها را به ۳۰ واج تقلیل داده است که ۲۱ واج مربوط به همخوان‌ها و ۹ واج مربوط به واکه‌ها است. او در مورد واج‌های [g] و [ɣ] ادعا می‌کند که این واج‌ها متعلق به واج انتزاعی [G] می‌باشند و نحوه قرارگرفتن آنها را در توزیع تکمیلی نشان داده است.

ویژگی توزیعی /ɣ/

- ۱- /ɣ/ در موضع آغازی به هیچ وجه ظاهر نمی‌شود.
- ۲- /ɣ/ در میان دو واکه ظاهر می‌شود. خفه می‌کند /boɣar/ عقل /ɑɣil/
- ۳- /ɣ/ در پایان هجا و قبل از همخوان واقع می‌شود. بخار می‌کند /buɣlar/
- ۴- /ɣ/ در موضع پایانی و نیز در مواقعی که یک هجایی اند ظاهر می‌شود و در واژه‌های چند هجایی به واج /X/ تبدیل می‌شود. خفه کن /boɣ/ لاغر /ariX/

ویژگی توزیعی /g/

- ۱- /g/ در ابتدای واژه ظاهر می‌شود. قبله /giblæ/ ظرف /gab/
- ۲- /g/ در ابتدای هجا بعد از همخوان واقع می‌شود.

۳- /g/ به هیچ وجه در پایان واژه ظاهر نمی شود. گرفته /tutgun/

حسابگر واج /G/ را به عنوان واج انتزاعی و زیرساختی [g و Y] در نظر گرفته است و معتقد است که نشانه /G/ نشان دهنده یک همخوان نرمکامی است که نسبت به انسدادی و سایشی بودن، خنثی است. او بر این باور است که گرچه /G/ و /j/ ظاهراً در توزیع تکمیلی اند و /G/ در محیط واکه های پسین و /j/ در محیط واکه های پیشین ظاهر می شود اما وجود جفت های کمینه ای مانند واژه قرضی /jor/ به معنای قبر و گور و واژه ترکی /gor/ به معنای جرقه آتش، مانع از این است که آن دو متعلق به یک واج شناخته شوند، اگرچه تقابلی واجی فقط در موضع آغازی و در چند مورد محدود وجود دارد و در مواضع دیگر نمی توان جفت های کمینه پیدا کرد. او معتقد است که هماهنگی پسین و پیشین بودن، یک ویژگی عمومی در ترکی است و همین، گاهی باعث نوعی توزیع تکمیلی در میان واج های مستقلی مانند /G/ و /j/ می شود. حسابگر در مورد واج /X/ نیز معتقد است که واج /X/ با توجه به نحوه توزیع آن در واژه و یا هجا، واج مستقلی است و در هر ۳ موضع آغازی، میانی و پایانی ظاهر می شود. مانند:

خان /Xa n/ خاله /Xala/ خرما /Xurma/ نگاه کن /baX/

و واجگونه ای از آن در پایان واژه های چند هجایی ظاهر می شود که متعلق به واج زیر ساختی /g/ است مانند:

گوش /gulaX/ گوشم /gulaYim/

حسابگر (۱۳۷۱) چنین واج های /z/، /ʒ/ و /k/ را از لیست واج های ترکی آذری حذف کرده و معتقد است که این واج ها متعلق به نظام واجی ترکی آذری نیستند، به طوری که واج /z/ در واژه های بومی فقط به عنوان واجگونه ای از [j] ظاهر شده و در تعداد اندکی از واژه های قرضی نیز دیده می شود که می توان از آنها صرف نظر کرد یا جزء گروهی محسوب کرد که /z/ در آنها به عنوان واجگونه ظاهر شده است. واج /k/ نیزگاهی به عنوان واجگونه واکه رفتۀ /G/ در واژه های بومی ترکی آذری و به ندرت در واژه های قرضی به کار می رود که می توان آن را به عنوان واجگونه ای از /G/ به حساب آورد. واج /ʒ/ نیز به دلیل عدم حضور در گویش غیر رسمی و به دلیل عدم ایجاد تمایز معنایی، جزء واج های ترکی آذری محسوب نمی شود. در این پژوهش که برای نظام آوایی زبان ترکی آذری ۲۲ همخوان و ۹ واکه در نظر گرفته شده است، نگارنده در مورد واج های /k/ و /ʒ/ همسو با حسابگر است، به طوری که ترکی، فاقد همخوان انسدادی چاکنایی /ʒ/ آغازی، میانی و پایانی است. بنابراین، واژه های قرضی فارسی در ترکی، هنگام

تلفظ، بدون این همخوان ادا می‌شوند، مانند:

/saʔæt/ → [saat]

/ʔe ʃtemaʔ/ → [iʃtima]

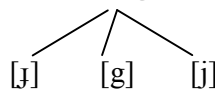
و «که» همیشه در مجاورت واکه‌های پیشین و پسین /c/ مشاهده می‌شود. این بدین معناست که در ترکی آذری /k/ کاربرد ندارد.

کاش /caʃ/ کار /car/

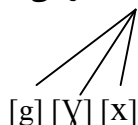
ولی /ʒ/ گرچه در نظام آوایی زبان ترکی وجود نداشته و کلمات (ژ) دار بیشتر از کلمات قرضی اند ولی امروزه، جزء واژه‌های زبان ترکی می‌باشند و بنابراین، برای بررسی و استخراج زیر ساخت واژه‌های قرضی که در اصل دارای همخوان /ʒ/ اند جزء واج‌های زبان ترکی محسوب می‌شوند. اما در مورد همخوان‌های افراشته /j/، /ʎ/ و /g/ باید گفت چند واژه‌ای که در آنها واج /j/ با واکه‌های پسین ظاهر می‌شود از موارد استثناء در زبان ترکی آذری است، زیرا /j/ همیشه با واکه‌های پیشین ظاهر می‌شود و نیز /j/ دارای واجگونه /g/ می‌باشد که تنها در محیط واکه‌های پسین واقع می‌شود. از طرفی، همان‌طور که حسابگر (۱۳۷۱) نیز اشاره داشته، واجگونه‌ای از واج مستقل /j/ (ژ در هر سه موضع آغازی مانند /jalan/ (دروغ)، میانی /ajri/ (جدا) و پایان /haraj/ (داد و فریاد) ظاهر می‌شود. متعلق به واج /j/ می‌باشد که در مواضع پایانی و میانی واژه ظاهر می‌شود.

جگر /jijær/ → [jijær] آقا /baej/ → [baej]

بنابراین، صورت زیر ساختی /j/ شامل واجگونه‌های /j/ می‌باشد.



و نیز همخوان نرم کامی سایشی /ʎ/ در ترکی آذری دارای واجگونه [g] در رو ساخت می‌باشد و در مواقعی که /ʎ/ ظاهر نمی‌شود [g] ظاهر می‌شود. واج /g/ نیز شامل واجگونه‌های /ʎ/ می‌باشد.



همانطور که پیش از این اشاره شد، واجگونه‌ای از واج /x/ متعلق به واج /ʎ/ می‌باشد که در پایان واژه‌های چندهجایی ظاهر می‌شود. در اینجا از همخوان سایشی نرم کامی /ʎ/ در زیر ساخت استفاده شده، زیرا /G/ صورت بی‌واک /q/ و همخوان انسدادی ملازی است. نحوه انتخاب /ʎ/ و /ʎ/ در زیر ساخت، بر اساس دو معیار زیر می‌باشد:

۱- توزیع: (distribution)

از دو صدای b و a، آن که توزیع متنوع تری دارد صورت زیر ساختی است.

۲- پذیرفتگی آوایی: (phonetic plausibility)

از دو صدای b و a، موردی صورت روساختی است که بر اساس محیطی که در آن قرار گرفته، طبق یک رابطه قاعده مند پذیرفته و به لحاظ آوایی از (UR) صورت زیرساختی برگرفته شده باشد. در مورد واجهای /ʎ/ و /ʎ/ بر اساس معیار توزیع دوگانه زیر می‌رسیم.

$$/ʎ/ \sim /g/$$

$$- \left\{ \begin{array}{c} y \\ c \\ \# \\ \emptyset \\ i \\ e \\ \text{æ} \end{array} \right\} \left\{ \begin{array}{c} o \\ \alpha \\ u \end{array} \right\}$$

برو /jet/ واردشو /ʎir/ رگبرگ /ræʎbærʎ/ بیا /ʎæl/ لزگی /lezʎi/ پاسبان /ʎyduc/ جرقه آتش /gor/ بمان /gal/ غرش /guppulti/ برادر /gardaš/

$$/ʎ/ \sim /g/$$

$$v - \left\{ \begin{array}{c} V \\ \$C \\ \# \end{array} \right\} \left\{ \begin{array}{c} \# \\ (C \$) \end{array} \right\} - V$$

قشقرق /gišgiriX/ مو /gil/ سیاه /gara/ عقل /α ʎi/

بر اساس معیار دوم نیز [g] باید صورت روساختی /ʎ/ باشد، زیرا تبدیل شدنش قبل از واژه‌های پسین، منطقی است، زیرا خود آن نیز همخوان پسین است و حالت بر عکس آن، توجیه پذیر نیست، زیرا [g] در جایگاه پایانی و قبل از همخوان پیشین نمی‌شود. همچنین [g] باید صورت

روساختی /ʎ/ باشد، زیرا همخوان‌ها به طور کلی در جایگاه آغاز واژه و در موضع آغاز هجا پس از همخوانی، مشمول فرآیند تقویت می‌شوند. بنابراین، همخوان [g] نیز در این دو موضع تقویت می‌شود و حالت عکس آن توجیه ناپذیر است، زیرا [g] اگرچه در برخی از زبان‌ها مشمول فرآیند تضعیف شده، ولی تنها همخوان واکدار غیر پیوسته دهانی است که تضعیف نمی‌شود، چون تولید نرم کامی، بسیار ضعیف‌تر از تولیدهای پیشین‌تر به نظر می‌رسند. هایمن (۱۹۷۵).

$$/ʎ/ \rightarrow [g] / \left[\begin{array}{c} (C\$) \\ \# \end{array} \right] - \quad /j/ \rightarrow [g] / - \left[\begin{array}{c} +\text{واکه پسین} \end{array} \right]$$

بنابراین، وجود واژه‌های قرضی که در آنها /g/ با واکه‌های پیشین همراه است نیز قابل توجیه است، زیرا که در زبان ترکی /ʎ/ در آغاز واژه ظاهر نمی‌شود و به جای آن /g/ ظاهر می‌شود، به این ترتیب /g/ همراه با واکه‌های پیشین، واژه‌های قرضی را شامل می‌شود، که به طور کامل با ساخت آوایی و واجی زبان ترکی آذری مطابقت نکرده و به آن بی‌قاعدگی تلفظی گویند.

قبله /giblae/ قیمت /gimæt/ قلب /gælb/

لازم به توضیح است که از آنجایی که زبان ترکی آذری تنها /ʎ/ را در نظام آوایی دارد بنابراین، تمام /q/های انسدادی ملازی فارسی، در ترکی به /ʎ/ سایشی، نرم کامی تبدیل می‌شود. که البته محدودیت‌هایی از نوع ذکر شده در کاربرد آن در مواضع مختلف وجود دارد.

۱-۲ واکه‌های ترکی آذری

فرزانه (۱۳۴۴) واکه‌های زبان ترکی را به ۳ گروه تقسیم کرده است:

گروه اول شامل واکه‌های باز یا افتاده /e, α, æ, o, ø/ و واکه‌های بسته یا افراشته /i, ð, y, u/ می‌باشد. گروه دوم شامل واکه‌های پیشین یا نرم /e, ø, i, æ, y/ و واکه‌های پسین یا سخت /α, o, u, i/ می‌باشد. گروه سوم شامل واکه‌های گرد /o, ø, u, y/ و واکه‌های گسترده /e, ð, æ, α, i/ می‌باشد. او هم چنین معتقد است که کشش واکه در ترکی وجود ندارد. واکه‌های کشیده فقط در کلمات قرضی به چشم می‌خورد که اکثراً در زبان ترکی، کشش خود را از دست داده و از نظر آوایی با نظام آوایی ترکی تلفیق می‌شوند. به این ترتیب، جدول واکه‌ها و همخوان‌ها در زبان ترکی به صورت زیر می‌باشد.

فهرست نشانه های آوایی زبان ترکی آذری

مثال	معنی کلمه	نشانه های اصلی	نشانه فرعی	همخوان ها
/p α j/	«سهم»	دولبی، انفجاری، بی واک	پ	p
/boš/	«خالی»	دولبی، انفجاری، واکدار	ب	b
/tær/	«عرق»	دندانی، انفجاری، بی واک	ط-ت	t
/dil/	«زبان»	دندانی، انفجاری، واکدار	د	d
/c α l/	«کال»	پیش کامی، انفجاری، بی واک	ک	c
/j ø r/	«ببین»	پیش کامی، انفجاری، واکدار	گ	j
/d α V/	«کوه»	ملازی، سایشی، واکدار	غ-ق	V
/syt/	«شیر»	سایشی، بی واک، لثوی	ث-ص-س	s
/j α zi/	«نوشته»	لثوی، سایشی، واکدار	ض-ظ-ز-ذ	z
/t α niš/	«آشنا»	لثوی - کامی، سایشی، بی واک	ش	š
i žd α h α	«ازدها»	لثوی - کامی، سایشی، واکدار	ژ	ž
/zæfær/	«ظفر»	لب و دندانی، سایشی، بی واک	ف	f
/v arli/	«ثروتمند»	لب و دندانی، سایشی، واکدار	و	v
/ox/	«تیر»	ملازی، سایشی، بی واک	خ	x
/hara/	«کجا»	چاکنایی، سایشی، بی واک	ه-ح	h
/čox/	«زیاد»	انفجاری - سایشی، بی واک، لثوی - کامی	چ	č
/α j i/	«تلخ»	انفجاری - سایشی، واکدار، لثوی - کامی	ج	j
/ari V/	«لاغر»	لثوی، لرزشی، واکدار	ر	r
/j ardim/	«کمک»	دولبی، خیشومی، واکدار	م	M
/on/	«ده»	لثوی، خیشومی، واکدار	ن	n
/lyt/	«لخت»	لثوی، روان، واکدار	ل	l
/jasti/	«پهن»	کامی، غلتی، واکدار	ی	j

فهرست نشانه های آوایی زبان ترکی آذری

مثال	معنی کلمه	نشانه اصلی	نشانه حرفی	واکه ها
/isti/	«گرما»	پیشین، بسته، گسترده	ای-	I
/ev/	«خانه»	پیشین متوسط، گسترده	ء	E
/æ l/	«دست»	پیشین، باز، گسترده	آ	Æ
/yz/	«چهره»	پیشین، بسته، گرد	او	Y
/øpuš/	«بوسه»	پیشین، متوسط، گرد	اؤ	Ø
/giš/	«زمستان»	پسین، بسته، گسترده	اء	i
/α t/	«اسب»	پسین، باز، گسترده	آ	A
/uša V/	«بچه»	پسین، بسته، گرد	او	U
/æ lov/	«شعله»	پسین، متوسط، گرد	اؤ	O

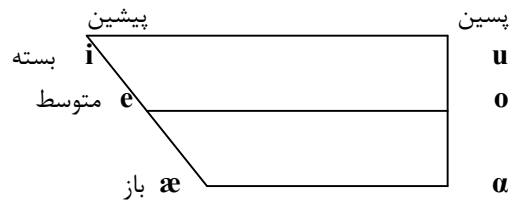
جدول مشخصه‌های تمایز دهنده واکه‌های ترکی آذری

α	æ	o	\emptyset	e	u	y	i	i	
+	+	+	+	+	+	+	+	+	هجایی
-	-	-	-	-	-	-	-	-	همخوانی
-	-	-	-	-	+	+	+	+	افراشته
+	+	-	-	-	-	-	-	-	افتاده
+	-	+		-	+	-	+	-	پسین
-	-	+	+	-	+	+	-	-	گرد

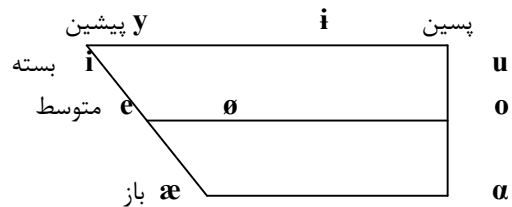
جدول واجهای همخوانی زبان ترکی آذری

چاکنایی	ملازی	پیش‌کامی	لثوی	لثوی‌کامی	دندانی	لب‌ودندانی	دولبی	
		C			t		p	انسدادی بی‌واک
		ʃ			d		b	انسدادی واکدار
h	x		s	š		f		سایشی بی‌واک
	ʎ		z	ž		v		سایشی واکدار
				č				انسدادی سایشی بی‌واک
				ǰ				انسدادی سایشی واکدار
			n				m	خیشومی
			r l					روان
		j						غلت

نمودار واکه‌های فارسی



نمودار واکه‌های ترکی آذری



	b	p	f	v	m	t	d	n	l	r	č	ǰ	s	z	š	ž	j	c	ɟ	x	h	ʏ	
هجایی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
همخوان	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	-	+	+	+	+	+	+
رسا	-	-	-	-	+	-	-	+	+	+	-	-	-	-	-	-	+	-	-	-	-	-	-
خیشومی	-	-	-	-	+	-	-	+	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
افراشته	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	+	+	-	-	+	+	+	+	+	+	-	+	+
پسین	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	+	-	-	+
افتاده	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	+	-	-
قدامی	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	-	-	+	+	-	-	-	-	-	-	-	-	-
تیغه ای	-	-	-	-	-	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	-	-	-	-	-	-	-
واک	+	-	-	+	+	-	+	+	+	+	-	+	-	+	-	+	+	-	+	-	-	-	+
پیوسته	-	-	+	+	-	-	-	-	+	+	-	-	+	+	+	+	+	+	-	-	+	+	+
کناری	-	-	-	-	-	-	-	-	+	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
تیز	-	-	+	+	-	-	-	-	-	-	+	+	+	+	+	+	-	-	-	-	-	-	-
رهش																							
تدریجی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	+	+	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

جدول مشخصه‌های تمایزدهنده همخوان‌های ترکی آذری به اقتباس از نظام آوایی لاری هایمن ۱۹۷۵ (با استناد از حسابگر ۱۳۷۱)

۲- قواعد واجی حاکم بر فرایندهای واجی برای دستیابی به نمودارهای روساختی

وامواژه‌ها:

لازم به ذکر است که این فرآیندها با استفاده از توصیف تغییرات حاصله در مشخصه‌های واجی و گاهی با استفاده از متغیرهای α و β بیان شده‌اند، زیرا نشانه گذاری با α و β یکی از وسایل صرفه‌جویی در مشخصه است، زیرا یک حشو عمومی در زبان ترکی، این است که واکه‌ها در پسین و گرد بودن هماهنگی دارند بنابراین، با استفاده از این متغیرهای واجی، امکان ادغام چندین قاعده و مشخصه را در یکدیگر فراهم می‌آورد. در اینجا نیز نشانه α و β بیانگر آن است که مشخصه‌های پسین گرد در واکه، بسته به ارزش مثبت و منفی مشخصه‌های مذکور در واکه قبل و بعد از آن است. چنانچه α ارزش مثبت β ارزش منفی داشته باشد و یا برعکس، واکه نیز همان ارزش‌ها را خواهد داشت. حسابگر (۱۳۷۱).

۲-۱ فرایند هماهنگی واکه ای

در این نوع فرایند، یک واکه تحت تاثیر واکه دیگر که در هجای مجاور قرار دارد، پاره ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آنها یا مختصات واکه مجاور را به خود می‌گیرد و یا مختصاتی نزدیک به آنچه در هجای مجاور وجود دارد حاصل می‌کند.

۱-۲- هماهنگی واکه های ریشه

هماهنگی واکه ها در ترکی آذری به مشخصه های گرد و پسین مربوط می شود. در اینجا، داده ها بر اساس نوع تغییر واکه به شش گروه تقسیم شده اند:

$$\left(\begin{array}{c} + \text{هجایی} \end{array} \right) \longrightarrow \left(\begin{array}{c} \alpha \text{ پسین} \\ \beta \text{ گرد} \end{array} \right) / (C) \left(\begin{array}{c} \alpha \text{ پسین} \\ \beta \text{ گرد} \end{array} \right) (C)C \text{ --- } \left(\begin{array}{c} C \\ \# \end{array} \right)$$

/u,o/ → [i]		/e,i/ → [i]	
/baku/ → [baci]	باکو	/naʃi/ → [naʃi]	ناشی
/ʔabru/ → [abr i]	ابرو	/ʃater/ → [ʃatir]	شاتر
/kahu/ → [cah i]	کاهو	/lazem/ → [lazim]	لازم
/zaʔu/ → [zah i]	زائو	/kaʃef/ → [caʃif]	کاشف

/e,æ/ → [a]		/u/ → [i]	
/pacat/ → [pacat]	پاکت	/ʃærur/ → [ʃærir]	شورور
/saʔæt/ → [saat]	ساعت	/tænur/ → [tænir], [tændir]	تنور
/jonje/ → [jon]a]	یونجه	/ʔæmu/ → [æmi]	عمو
/rahæt/ → [rahat]	راحت	/sæmænu/ → [sæmæni]	سمنو

/a/ → [æ]	
/pæjambær/ → [pæjæmbær]	پیامبر
/mirza/ → [mirzæ]	میرزا

$$\left(\begin{array}{c} + \text{هجایی} \end{array} \right) \longrightarrow \left(\begin{array}{c} \alpha \text{ پسین} \\ \beta \text{ گرد} \end{array} \right) / (C) \text{ --- } C \left(\begin{array}{c} \alpha \text{ پسین} \\ \beta \text{ گرد} \end{array} \right) \left\{ \begin{array}{c} C \\ \# \end{array} \right\}$$

/æ/ → [a]	
/ʔæzan/ → [azan]	اذان
/bæhane/ → [bahana]	بهانه
/næmaz/ → [namaz]	نماز
/zæman/ → [zaman]	زمان

همیشه این هجای آغاز کلمه نیست که از لحاظ هماهنگی واکه ها ساختمان واژه را تحت تاثیر قرار می دهد بلکه در بعضی از کلمات، به خصوص در کلمات دخیل واکه هجای دوم بر واکه هجای اول تاثیر گذار بوده و دیگر واکه های کلمه را تنظیم می کند. دلیل چنین تغییری کاملاً مشخص نیست. شاید عوامل لهجه در مناطق مختلفی که به ترکی صحبت می شود، دخیل در نقش آفرینی قاعده دوم به جای قاعده اول باشد.

۲-۱-۲ هماهنگی واکه های پسوند با واکه های ریشه

$$\left(\begin{array}{c} + \text{هجایی} \end{array} \right) \rightarrow \left(\begin{array}{c} \alpha \text{ پسین} \\ \beta \text{ گرد} \end{array} \right) // \left(\begin{array}{c} \alpha \text{ پسین} \\ \beta \text{ گرد} \end{array} \right) C + C \text{ --- } \#$$

/baqče/ → [baVčə], [baXčə] باغچه

/taqče/ → [taVčə], [taXčə] طاقچه

/qončə/ → [g ončə] غنچه

۲-۲ فرایند همگونی همخوانها

در این نوع فرایند، گاهی یک همخوان در همنشینی با همخوان دیگری، پاره ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن، مختصات آوایی همخوان مجاور را به خود می‌پذیرد. این فرایند از جهت میزان شباهت، به دو نوع کامل و ناقص و از جهت سوی آن، به دو نوع پیشرو و پسرو تقسیم می‌شود.

$$\left(\begin{array}{c} + \text{همخوانی} \\ - \text{پیوسته} \\ - \text{خیشومی} \\ + \text{واک} \\ + \text{تیغه ای} \end{array} \right) \rightarrow \left(\begin{array}{c} + \text{همخوانی} \\ - \text{پیوسته} \\ - \text{خیشومی} \\ - \text{واک} \\ + \text{تیغه ای} \end{array} \right) // \text{---} + \left(\begin{array}{c} + \text{همخوانی} \\ - \text{پیوسته} \\ - \text{خیشومی} \\ - \text{واک} \\ + \text{تیغه ای} \end{array} \right) \text{ همگونی کامل پسرو}$$

/bædtær/ → [bættær], [bætær] بدتر

$$\left(\begin{array}{c} + \text{همخوانی} \\ + \text{خیشومی} \\ + \text{تیغه ای} \end{array} \right) \rightarrow \left(\begin{array}{c} + \text{همخوانی} \\ + \text{خیشومی} \\ - \text{تیغه ای} \\ + \text{قدامی} \end{array} \right) // \text{---} \left(\begin{array}{c} + \text{همخوانی} \\ - \text{خیشومی} \\ + \text{قدامی} \\ - \text{تیغه ای} \end{array} \right)$$

/tænbael/ → [tæmbael] تنبل

/ʔænbar/ → [amb̩ar] انبار

۳-۲ فرایند مربوط به ساخت هجا (خوشه های همخوانی)

۲-۳-۱ حذف همخوان انسدادی چاکنایی

به طور کلی، فرایند حذف را چنین می‌توان تعریف کرد که هر گاه در ترکیب آواها با هم نوعی همنشینی بین واحدهای زنجیری به وجود آید که یا خلاف نظام آوایی زبان باشد و یا بر اساس طبیعت آوایی زبان، ثقیل به نظر برسد، برای رفع این اشکال، یک واحد آوایی از زنجیره گفتار حذف می‌شود. در مورد حذف همخوان انسدادی چاکنایی [ʔ] باید گفت، در کلمات وارده عربی که واج آخر آن (ع) است، در تداول ترکی آذری (ع) تلفظ نمی‌شود.

/ʔebdaʔ/→[ibda]	ابداع	/ʔejtəmaʔ/→[ijtəma]	اجتماع
/dæfʔ/→[dæf]	دفع	/ʔemləʔ/→[imlə]	املا

لازم به ذکر است که علاوه بر حذف همخوان +افتاده تغییر دیگری نیز در مثال‌های فوق روی داده و آن افزایش واکه‌های هجای اول می‌باشد.

۲-۳-۲ حذف همخوان چاکنایی وکشش جبرانی واکه ماقبل آن با استفاده گشتار consonant elision and compensatory lengthening vowel

این نوع فرایند، همان‌طور که از نامش پیداست مشتمل است بر حذف همخوان خاص و جبران فقدان آن با کشیده شدن واکه به این دلیل که اهل زبان تمایل دارند طول واژه‌ها را هنگام تلفظ حفظ کنند.

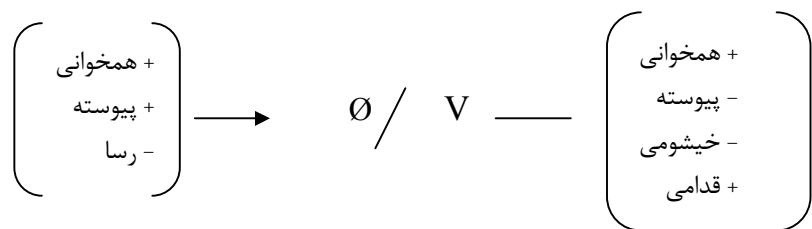
SD	V	$\left(\begin{array}{c} +\text{همخوانی} \\ -\text{افتاده} \end{array} \right)$	C
SI	1	2	3
SC	$\left(+\text{کشش} \right)$	∅	

/moʔtæbær/→[mø:tæbær]	معتبر	/mohtæʂæm/→[mø:tæʂæm]	محتشم
/qælʔe/→[gɑ:lɑ]	قلعه	/dæʔvɑ/→[dɑ:vɑ]	دعوا
/moʔælem/→[mæ:lim]	معلم	/sænʔæt/→[sænæ:t]	صنعت

۲-۳-۳ حذف همخوان سایشی

همخوان سایشی در برخی از واژه‌های دخیل در موضوع قبل از همخوان انسدادی حذف می‌شوند و در بسیاری آنها مانند:مفت myftæ گاهی عمل نکرده و به صورت خوشه، در روساخت باقی می‌ماند.

تغییرات تلفظی واژگان فارسی هنگام استفاده در...



/loxt/ → [lyt]

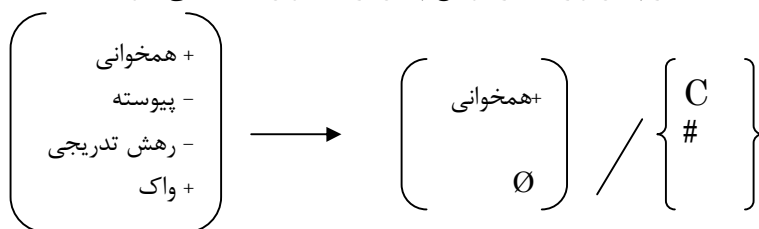
لخت

/joft/ → [jyt]

جفت

۲-۳-۴ حذف همخوان انسدادی

همخوان انسدادی در پایان واژه یا در موضع پیش از همخوان حذف می شود.



/bang/ → [ban]

بانگ

/morværid/ → [mirvæi]

مروارید

/zeræŋj/ → [ziræc]

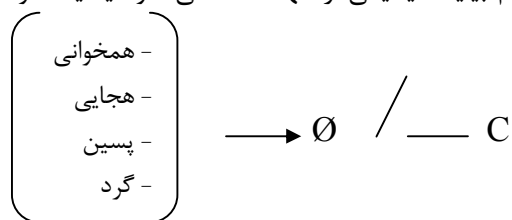
زرنج

/qæʂæŋj/ → [gæʂæc]

قشنگ

۲-۳-۵ حذف غلت /j/ در موضع بین همخوان

از آنجاکه در ترکی آذری، توالی دو همخوان بدون واکه ممکن نیست، لذا در برخی از واژه‌های دخیل، هرگاه دو همخوان پشت سر هم بیایند، یا یکی از آنها حذف می شود یا اینکه واکه ای بین دو همخوان ظاهر می شود.



/sejl/ → [sel]

سیل

/cejf/ → [cef]

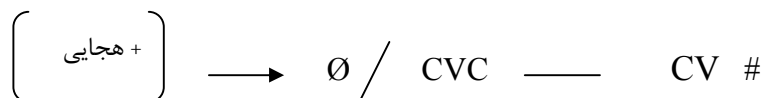
کیف

/ʂejX/ → [ʂeX]

شیخ

۲-۳-۶ حذف واکه

در ترکی، واکه ی نزدیک واکه ی تکبیه دار حذف می شود. واکه تکبیه دار در ترکی، هجای آخر کلمه است.

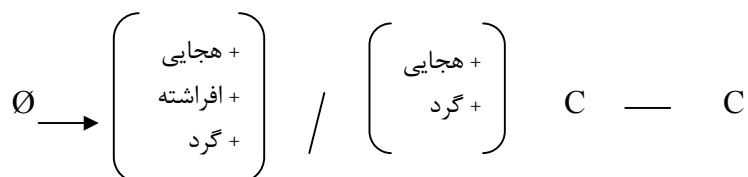


تغییرات تلفظی واژگان فارسی هنگام استفاده در...

/sætr/→[sætir]	سطر	/fekr/→[ficir]	فکر
/qædr/→[gædir]	قدر	/qætl/→[gætil]	قتل
/ʔæql/→[æʔil]	عقل	/sæbr/→[sæbir]	صبر
/čætr/→[čætir]	چتر	/tefl/→[tifil]	طفل

۲-۴-۳ درج واکه میانجی /u,y/

افزایش واکه در واژه های پر بسامدی که به هجای بلند CVCC ختم می شوند برای جلوگیری از ثقیل بودن آنها در مقایسه با طبیعت آوایی زبان ترکی است. بنابراین هرگاه واکه هجای اول گرد باشد، واکه دخیل بین دو همخوان گرد خواهد بود.



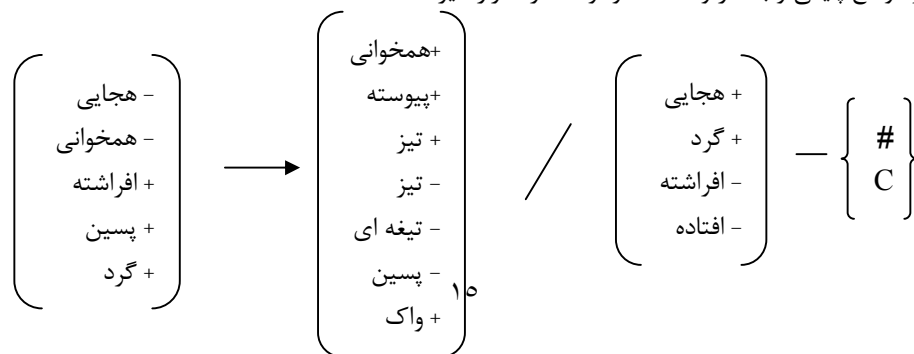
/pudr/→[podur],[pudur]	پودر	/noql/→[noʔil]	نقل
/mohr/→[mohyr]	مهر	/šocr/→[šycyr]	شکر
/ʔomr/→[ømyr]	عمر	/zolm/→[zylym]	ظلم
		/toxm/→[toxym]	تخم

واژه هایی نیز در این میان به عنوان استثنا می توان یافت که قاعده درج واکه را نقض می کنند، به طور مثال در واژه (قفل) واکه میانجی باید واکه گرد می بوده، در حالی که واکه پسین و افراشته و - گرد اضافه می شود و این شاید به دلیل افراشته بودن همخوان آغازی [g] است. /qofl/→[gifi].

۲-۵-۵ تقویت و تضعیف

۲-۵-۱ غلت به همخوان سایشی

روند کلی به این صورت است که عنصر ناشناخته ای که در واژه قرضی وجود دارد، با عنصر واجی که از نظر ساختاری و آوایی نزدیک به آن باشد جانشین می شود. در زبان ترکی آذری رسمی، در بعضی موارد غلت /W/ تبدیل به همخوان /V/ می شود و آن در شرایطی است که قبل از یک همخوان دیگر یا در موضع پایانی و بعد از واکه (معمولاً واکه گرد) قرار گیرد.

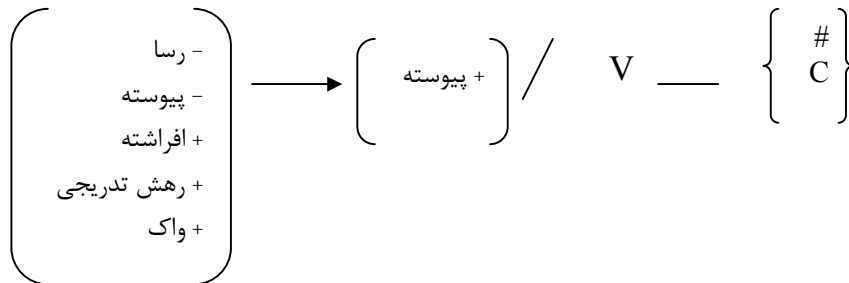


/dowlæt/→[døvlæt]	دولت	/ʔowlad/→[øvlad]	اولاد
/howz/→[høvuz]	حوض	/nobæt/→[nøvbæt]	نوبت
/dowran/→[døvræn]	دوران	/zowq/→[zøvʔ]	ذوق
/howsæle/→[høvsælə]	حوصله		

در تمام نمونه های فوق، هماهنگی واکه گرد در پیشین بودن با همخوان سایشی وجود دارد. در مثال (حوض) برای جلوگیری از ساخت هجای CVCC یک واکه گرد در بین دو همخوان پایانی افزوده شده، اما در واژه های قرضی مانند [jɪrov] ← /jɪrow/, [pærtov] ← /pærtow/ همانندی و همگونی بین واکه گرد در پیشین بودن با همخوان سایشی /v/ اتفاق نمی افتد و همچنین این واژه ها با نظام آوایی زبان ترکی تطبیق نیافته اند، چرا که /o/ در هجای دوم ظاهر شده است.

۲-۵-۲ تبدیل انسدادی - سایشی به سایشی

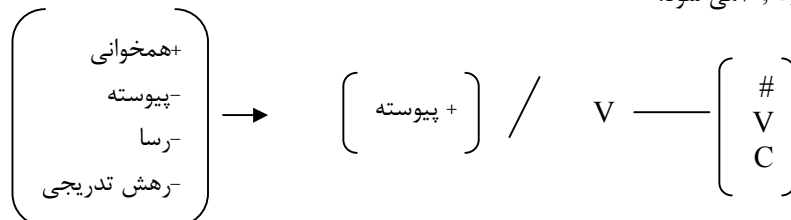
انسداد رفتگی همخوان انسدادی سایشی /j/ در موضع پایانی و یا پیش از همخوان دیگر.



/mæjmei/→[mæžmeji]	مجمعی
/mæjnun/→[mæžnun]	مجنون
/ɟij/→[ɟiž]	گیج

۲-۵-۳ تبدیل انسدادی به سایشی

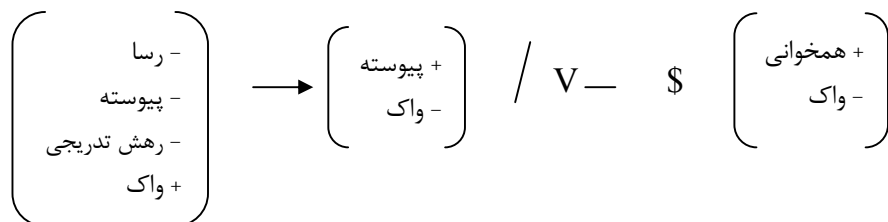
عموماً همخوانها پس از واکه‌ها یا در موضع بین دو واکه دچار فرایند تضعیف (نرم شدگی) می شوند. به این ترتیب، انسدادی های /ʔ, b, q, k/ نیز در بین دو واکه یا در جایگاه قبل از واکه تبدیل به سایشی /f, v, h, x, ʔ/ می شود.



تغییرات تلفظی واژگان فارسی هنگام استفاده در...

/tænəb/→[tænæf]	طناب	/tæmæʔ/→[tɑmɑ]	طمع
/mikrɒb/→[microf]	میکروب	/loʔəb/→[loʋəb]	لعاب
/xijəbən/→[xijəvən]	خیابان	/ræqs/→[ræxs]	رقص
/nærdebən/→[nærdivən]	نردبان	/mætəʔ/→[mɑtɑh]	متاع

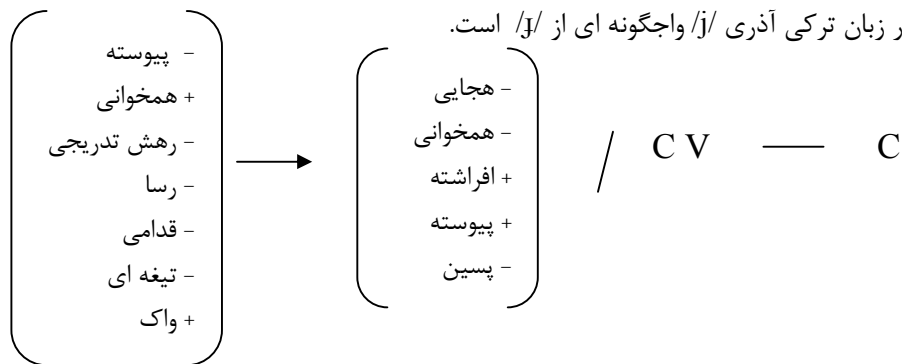
۲-۵-۴ تبدیل انسدادی به سایشی در خوشه همخوانی مرز دو هجا



/baqčə/→[baxčɑ]	باغچه
/taqčə/→[tɑ xčɑ]	طاقچه

۲-۵-۵ تبدیل انسدادی به غلت

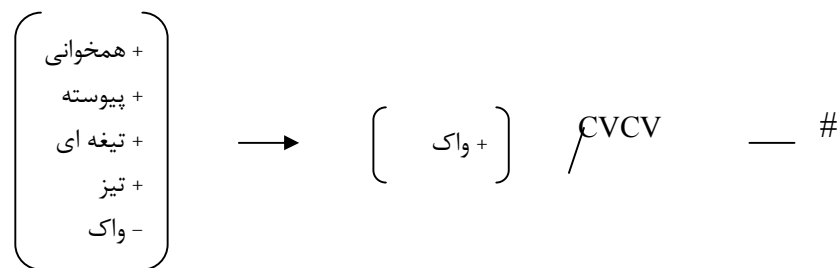
در واژه‌های بیش از یک هجا، /j/ در موضع میانی و قبل از همخوان به غلت /j/ تبدیل می‌شود. در زبان ترکی آذری /j/ واجگونه‌ای از /j/ است.



/ʔæjær/→[æjær]	اگر	/ʃejær/→[ʃijær]	جگر
/mæjær/→[mæjær]	مگر	/zjil/→[zijil]	زیگیل
/læjæn/→[læjæn]	لغن		

۲-۵-۶ واکدارشدگی

همخوان سایشی بی واک /s/ در پایان واژه در موضع غیر آغازی، واکدار می‌شود.

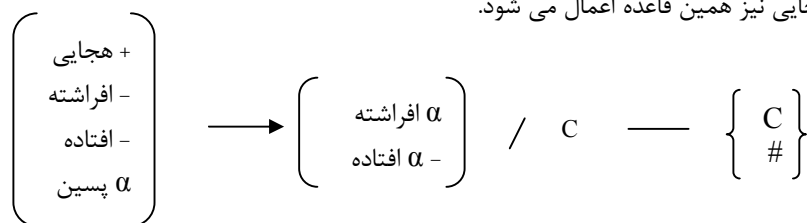


/nærʃes/ → [nærʃiz]	نرگس
/tævus/ → [tovuz]	طاووس
/xorus/ → [xoruz]	خروس

۲-۶ تغییر در واکه‌ها

۲-۶-۱۱-افراشتگی و افتادگی (raising-lowering)

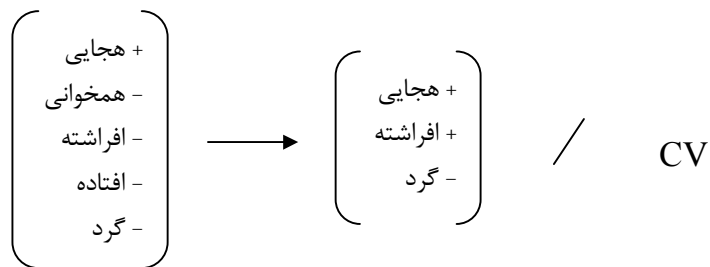
تبدیل واکه‌های میانه هجاهای غیر اول به واکه‌های افراشته یا افتاده در واژه‌های قرضی، که در واژه‌های تک‌هجایی نیز همین قاعده اعمال می‌شود.



/čon/ → [čyn]	چون	/hers/ → [hirs]	حرص
/serr/ → [sirr]	سر	/mænzəl/	منزل
/jen/ → [jɪn]	جن	/lɑlə/ → [lɑlə]	لاله

۲-۶-۲-افراشتگی

واکه آغازین /e/ در واژه‌های قرضی در زبان ترکی آذری، افراشته می‌شوند و تبدیل به واکه افراشته /i/ می‌گردند.



/melæ/ → [milæ]	ملل	/tecce/ → [ticæ]	تکه
/reſte/ → [riſtæ]	رشته	/ceſmeſ/ → [ciſmiſ]	کشمش
/sefæt/ → [sifæt]	صفت	/telesm/ → [tilism]	طلسم

کتابنامه

- آراتو، آنتونی (۱۳۷۳)، درآمدی بر زبان شناسی تاریخی، ترجمه یحیی مدرس، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بهزادی، بهزاد (۱۳۶۹)، فرهنگ آذربایجانی - فارسی، انتشارات دنیا.
- ثمره، یدالله (۱۳۷۸)، آواشناسی زبان فارسی: آواها و ساخت آوایی هجا، مرکز نشر دانشگاهی
- حسابگر، حسن (۱۳۷۱)، نظام آوایی زبان ترکی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه
- شهریار، محمد حسین (۱۳۷۰)، کلیات اشعار ترکی: به انضمام حیدر بابایا سلام، انتشارات نگاه
- عمید، حسن (۱۳۵۷)، فرهنگ فارسی عمید، امیرکبیر.
- فرزانه، محمدعلی (۱۳۴۴)، مبانی دستور زبان آذربایجان: اصوات و کلمات، انتشارات شمس
- مدرس، یحیی (۱۳۶۸)، درآمدی بر جامعه شناسی زبان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات.
- معین، محمد (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی، شش جلد، امیرکبیر.
- هادی، اسماعیل (۱۳۷۹)، فرهنگ ترکی نوین: تاملاتی در عرصه ریشه شناسی ترکی فارسی، انتشارات احراز تبریز.
- هایمن، لاری (۱۳۶۸)، نظام آوایی زبان: نظریه و تحلیل، ترجمه یدالله ثمره، فرهنگ معاصر.
- هیئت، جواد (۱۳۷۹)، ویژه نامه وارلیق، تهران.
- یاری، سیاوش (۱۳۷۴)، فرض گیری واژگانی زبان ترکی آذری از زبان فارسی و بررسی علل و زمینه های آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- kenstowicz, M. and Kisse berth , ch. (1979) , Generative phonology : Description and theory , Newyork : Academic press.
- Lyons , J. (1968) , Introduction to Theoretical Linguistics ,Cambridge : Cambridge University Press.
- Meillet , A(1926-8) , Linguistique Historique et Linqustique , Generale. Paris : Champion.
- Salimi , Hosein goli , Generative Phonology of Azerbaijani , Ph.D. dissertation , Florida University , 1976.
- Trask , R.L. (1996) , Historical Linguistics , Great Britain by J W Arrow Smith Lth , Bristol.
- Yule , G. (1988) , The Study of Language , Great Britain at the Bath Press , Avon.
- Wein reich , u. (1963) , Language in Contact , The Hague : Mout.